

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مستحضرید ما در مرحله تحقیق بنا شد سه نکته را بیان کنیم. در درس دیروز دو نکته بیان شد و یک نکته باقی ماند. نکته سوم: آقای خوبی در کتاب محاضرات می فرمایند: در بحث اضطرار یا اجزا و عدم اجزا بحث تقیه داخل نیست؛ محل بحث در غیر تقیه است محل بحث در صلاة با تیمم، صلاة عریاناً و... است. دلیل آقای خوبی بدین شرح است: صلاة با تیمم، ناشی شده از مصلحت خود فعل؛ یعنی همین نمازی که برای واجد الماء باید با وضو باشد همین مصلحت برای فاقد الماء، در تیمم است. اما در تقیه، امر به تقیه ناشی از مصلحت در خود فعل نیست بلکه مصلحت اهمی آمده و حاکم شده است از این رو فرق است بین نماز با تیمم با نماز بر روی فرش؛ در نماز با تیمم، خود نماز مصلحت دارد. اما در نماز بر روی ما لا یصح السجود علیه، خود عمل هیچ مصلحت ندارد بلکه مصلحت اهمی از خارج وجود دارد.

استاد: اولاً: اگر می خواهید بگویید نظر من این است بگویید محل بحث اجزا اضطراری بین علما تقیه نیست. ما محقق عراقی را داریم که در محل بحث به تقیه مثال می زند.

ثانیاً: مصلحت هر جا می خواهد باشد؛ قرار ما بر این شد که به سراغ مصلحت نرویم گفتیم فقیه با ادله و اسناد کار دارد نه با مصلحت. ما چه کار به مصلحت داریم الان اگر کسی را اکراه به عملی بکنند شما می خواهید بگویید داخل محل بحث نیست؟! به نظر ما همه این ها داخل محل بحث است.

اشکالات

1. از حرج چطور می شود حکم استخراج کرد؟

قصه ایشان از اینجا شروع شده که ما در ذیل آیه تیمم «ما یرید لیجعل علیکم من حرج» گفتیم از آیه اجزا در خارج وقت استفاده می شود. ایشان سوال کرده اند: شما اجزا خارج وقت را چطور از آیه فهمیدید؟ فرض کنید اگر کسی 10 سال با تیمم نماز خوانده و عذرش مستوعب بوده شما می گویید حرج است و ... نیاز به قضا ندارد حال اگر کسی 10 سال غسل جنابتش را اشتباه انجام داده باشد و قاصر هم باشد

شما علما می گویید باید قضا بکند و لا تعاد شامل چنین کسی نمی شود. چرا در قضا عذر مستوعب می فرمایید حرج است و نیاز به قضا ندارد اما در غسل چنین چیزی نمی فرمایید؟

پاسخ: اولاً: ما یک مبنای به نام تجمیع ظنون داریم؛ من نمی خواهیم از ذیل این آیه اجزا را بفهمیم؛ اصلاً می دانید ما قاعده لا حرج را به عنوان قاعده قبول نداریم بلکه لا حرج را پارادایم می دانیم. ما از لا حرج حکم استخراج نمی کنیم بلکه این را به عنوان کمک و موید برای دلیل خود می آوریم. دلیل اصلی ما بر اجزا خارج وقت این است که چنین شخصی در کل وقت مضطر بوده و ادله اختیاری شامل حالش نشده است و نماز با تیمم خوانده است اگر بخواهید حکم به قضا بکنید باید دلیل بیاورید اگر دلیل بر قضا بیاورید ما قبول می کنیم اما ما معتقدیم دلیل بر قضا در اینجا وجود ندارد.

در زمان امام صادق علیه السلام برای کسی (شخص خشک مذهب) غسل واجب شد نمی خواست تیمم کند رفت در چاه غسل کند و... هم آب چاه را کثیف کرد هم مریض بود مُرد. امام علیه السلام رفتارش را ملامت کرد.

حضرت در جایی فرمودند: رب الصعید رب الماء یعنی خودتان را به زحمت بیخود نیندازید.

اما در مورد شخص جنب، اگر کسی مثلاً 10 سال نماز را با غسل اشتباه خوانده است و می تواند هم قضا کند و ما هم در قضا قائل به مواسعه باشیم و... چه اشکالی دارد حکم به قضا نمازها بکنیم؛ اما پیرمردی که 40 سال نماز با غسل اشتباه خوانده و

الان حتی خواندن نمازهای واجب هم برایش مشقت دارد و قضا قطعاً برای او حرجی است می توانیم بگوییم پسر بزرگترش قضا بکند یا وصیت بکند دیگران برایش قضا بکنند و... اما اگر پول نداشت یا پسر نداشت چه اشکالی دارد در اینجا بگوییم قضا لازم نیست.

2. آیا استنباط حکم فرض و جدان آب بعد از نماز با تیمم از آیه شریفه مصداق متشابهات قرآن است یا محکومات؟ اگر از

متشابهات است چطور آن را از عموم ما يعلم خارج می کنید و به دست عرف عام می دهید؟

پاسخ: ظاهراً دوستان متشابهات را به معنای آیاتی گرفته اند که صراحت ندارد متشابهات قرآن، آیاتی است که ناظر به خارج است و از یک واقع خارجی خبر می دهد. و ما يعلم تاویل... تاویل به معنای تفسیر نیست تاویل به معنای عینیت یافتن خارجی است این آیات تیمم از مصداق متشابهات نیست.

من سوال سوم را مطرح نمی کنم ولی نکته اش را خدمتان عرض می کنم.

در روایات تیمم ائمه علیهم السلام می خواهند حد وسطی را مطرح بکنند در واقع می خواهند بگویند این طور نباشد که به محض اینکه آب پیدا نکردی تیمم کنی. لذا در روایت داریم فاصله ای را برای یافتن آب باید مکلف برود.

4. ائمه علیهم السلام در باب تعارض اخبار قائل به تخییر شده اند همان طور که مرحوم کلینی هم قائل به تخییر است بر این اساس چه جایگاهی برای مدیریت ادله، آن هم با آن سخت گیری که علما می کنند می ماند.

پاسخ: نگویید ائمه علیهم السلام قائل به تخییر هستند ما هم روایات تخییر داریم هم روایات تعارض و ترجیح؛ چطور می گوید ائمه علیهم السلام قائل به تخییر شده اند؟! اتفاقاً نظر مشهور و رایج تخییر نیست ترجیح است. خود ما هم در نهایت قائل به ترجیح شدیم و روایت حسن بن جهم که برای تخییر است را اختصاص دادیم به باب نبود مرجح. ثانیاً: شما فکر کردید تخییر کار آسانی است؟ اولین کار شما این است بین دو روایت معتبر قائل به تخییر شوید. بین روایت معتبر با غیر معتبر که تعارض نیست. روایت غیر معتبر مثل اینکه تقیه ای باشد و... چه کسی باید این را بفهمد؟

آیا در اینها مدیریت ادله لازم نیست؟

اگر به هر دلیلی ما در اجزا شک کردیم چه اصلی باید جاری کنیم؟ در درون وقت یا بیرون وقت یا بعد عمل تقیه ای اگر کسی شک کرد آیا عملش مجزی است یا نه به چه اصلی باید اعتماد کند؟

مرحوم آخوند می فرمایند: در اینجا شک، در اصل تکلیف اضافی است (چه در وقت چه خارج وقت) و در شک در اصل تکلیف برائت جاری می شود. به تبع ایشان محقق نائینی، محقق اصفهانی، آیت الله وحید خراسانی و... قائل به برائت شده اند. در مقابل، محقق عراقی قائل به احتیاط است فرموده است یعنی چه که شک در اصل تکلیف است! اینجا از موارد دوران امر بین تعیین و تخییر است و در دوران بین تعیین و احتیاط کرد و احتیاط به این است که اگر نماز را با تیمم خوانده باید نماز را دوباره بخواند.

● محقق حکیم و محقق ایروانی: اینجا نه جای برائت است و نه جای احتیاط در اینجا باید استصحاب جاری کرد.

از نظر ما اصلاً بحث کردن در اینجا لازم نیست چون ما اصلاً در اینجا شک نداریم. اما از جهت قوت فقهی، بحث کردن در اینجا مفید است.

بیان استصحاب: کسی که نماز با تیمم خوانده (چه داخل وقت چه خارج وقت) فرض هم بکنید بدار هم جایز بوده، الان شک می کند دوباره آیا نماز خواندن اداءً یا قضاءً واجب است یا نه؛ در اینجا استصحاب جاری می شود. آقای ایروانی می فرمایند: امر به اتیان عمل در مجموع وقت با نفس دخول وقت می آید. یعنی وقتی وقت داخل می شود مکلف باید یک نماز 4 رکعتی ظهر و یک نماز 4 رکعتی عصر بخواند هفت ساعت هم برای این تکلیف وقت دارد. الان سوال می کنیم آیا یک امر متوجه این شخص می شود یا 50 امر مثلاً؟ ایشان می فرمایند: معلوم است یک امر متوجه مکلف می شود. نه اینکه هر 5 دقیقه 5 دقیقه امر جدید بیاید.

حالات مکلف هم مختلف است گاه مضطر است گاه مختار، اضطرار هم گاه مستوعب است گاه غیر مستوعب؛ فرض کنید مکلف به اضطرار غیر مستوعب افتاده و نماز را با تیمم خوانده است الان شک می کنیم این نماز مُسقط نماز اختیاری بود یا نبود؛ اگر چنین شکی کردیم استصحاب می کنیم نماز اختیاری را چرا که شک داریم در سقوط ماموریه اختیاری.

استاد: پیاده کردن استصحاب در خارج وقت انصافاً سخت است اما داخل وقت استصحاب اینگونه تقریر می شود.

این بیان برای آقای ابروانی بود فردا انشالله بیان آقای حکیم را بیان می کنیم.
نقد استصحاب: قبول دارید که ما یک امر به نماز با طهارت مائیه داریم و یک امر هم برای نماز با طهارت ترابیه داریم. اگر مکلف ساعت اول عذر داشت امر به طهارت ترابیه می آید بعد شما می گوئید اگر با وضو بخواند فایده ای ندارد استصحاب طهارت با وضو می کنیم و... شما متیقنن چيست؟ شما هم طهارت مائیه دارید هم طهارت ترابیه؛ طهارت مائیه نسبت به طهارت ترابیه مهمل است یا مطلق است یا مقید؟ مهمل و مطلق که نیست بلکه مقید است به اینکه دیگری انجام نشود وقتی دیگری انجام شد شما چه چیزی را می خواهید استصحاب کنید. در استصحاب ما یقین سابق می خواهیم بقاء موضوع می خواهیم کجا ما در مانحن فیه یقین سابق داریم؟!

الحمد لله رب العالمين